



۲۰۱۸/۱۲/۱۶



م. نعیم بارز

ترس از بحث آزاد زیر نفوذ کشتشهای سنتی و مذهبی در پاسخ نوشته جلیل غنی هیروی!



(این نوشته قبلاً (۱۰ اپریل ۲۰۱۶) در پاسخ به نوشته محترم جلیل غنی هیروی رقم یافته بود اما در آنوقت نسبت بعضی حساسیت ها در بین اعضای دایمی وبسایت آریانا افغانستان آنلاین از نشر باز ماند، اینک در این فرصت بار دیگر فرستاده شد اگر محترم آقای ولی احمد نوری مناسب دیدند لطفاً نوشته ذیل را به نشر رسانند)

خانم فهیم و محترمی "آشا جان ابوی" به مناسبت قتل فجیع خانم فرخنده مطالب بسیار ارزنده و اثر گذاری را به صورت کلیپ درآورده بود که قبلاً در بعضی سایت ها و ارگان های نشراتی به نشر رسیده بود، اخیراً خواسته بودند اگر ممکن باشد در سایت «وزین آریانا افغانستان آنلاین» نیز به نشر رسد. اما از آنجائیکه از بیان سخنان خانم محترم برداشت های متفاوت و متضادی تبارز یافته بود، محترم آقای نوری از همه مؤسسان سایت «آریانا افغانستان» خواستند تا به مطالب کلیپ مذکور به دقت گوش فرا داده و بعداً پیرامون آن در یک بحث اسکایپی شرکت کرده راجع به چگونگی مضمون و اینکه در سایت «آریانا افغانستان» به نشر برسد یا خیر ابراز نظر نمایند.

محفل برگزار شد و در مورد مضمون کلیپ مذکور هر یک به نوبت نظرات موافق و مخالف شان را ابراز نمودند که جمعاً دو ساعت را در بر گرفت و در آخر با آنکه از جمله هفت نفر، چهار نفر نظر موافق به نشر آن داشتند مگر محترم ولی احمد نوری برای اینکه مبادا نظرات موافق و مخالف منجر به اندک رنجی دوستان شود و از بیرون هم اعتراضات در موقف تازه آغاز به فعالیت وبسایت اثر منفی نگذارد نشر آن را مجاز ندیدند.

اما به تعقیب بحثی که در بالا ذکر آن رفت، محترم آقای جلیل غنی نظر خود را کتبی نیز به وسیله ایمیل عنوانی اعضای مؤسسان سایت مذکور فرستادند که من در همان وقت از حسن نظر و کلمات تعارفی شان تشکر کرده مگر بر اساس حق آزادی بیان که نزد مهمتر از هر حق دیگر است به خود مسؤلیت دیدم و نکات چندی را که محترم آقای جلیل غنی مطرح فرموده بودند و اینجانب به آن موافق نبودم مختصراً خدمت وی و دیگر دوستان به عرض رسانم:

و اینک اصل مطلب: آقای جلیل غنی مبتنی بر اظهار نظر محترم خانم ابوی که «ویدیو کلیپ مذکور قبلاً در وبسایت ها و یوتیوب به نشر رسیده اتکا به همین نکته به زعم خودش «کلیپ مذکور تازگی و ابتکار جدید نبوده که برای بار اول ما افتخار نشر آن را می داشتیم و در آن باره تصمیم می گرفتیم و همچنان گفتند سؤالی پیدا می شود که چرا این خانم می خواهد آن را با پا فشاری های مصرانه درین وبسایت نشر نماید، جز آنکه اجندای خاص و هدف خاصی در پشت پرده بوده باشد (پشت سر هر قضیه تیوری توطئه). . . نمی خواهم با حدسیات، فکر ها را پریشان بسازم ولی از خلال این ویدیو کلیپ دین ستیزی، اسلام ستیزی و بی حرمتی به اعتقادات مردم افغانستان به صورت مجموع و اهانت به سی میلیون افغان و فاسد خواندن همه بلا استثنی، میلان فکری تهیه کنندگان این کلیپ را نشان میدهد. . .» باید خدمت آقای جلیل غنی و هم نظران شان به عرض رسانم که من به این برداشت شان موافق نیستم، زیرا همان طوری که خانم ابوی خود این برداشتها را رد کردند و مفصلاً توضیحات لازم را ارائه داشتند. به برداشت اینجانب نیز از گفته های او به هیچ وجه «دین ستیزی و بی حرمتی به اعتقادات مردم و اهانتی به سی میلیون افغان» استنباط نمیشود. و می پردازم به استدلال نکات ذکر شده در بالا در مورد برداشت دین ستیزی:

همین قدر کافی خواهد بود گفته شود که خانم ابوی در کلیپ مذکور با صدای رسا به خدایش می گوید در آن لحظه های که فرخنده بی گناه بیرحمانه و به صورت وحشیانه به قتل می رسید، «خدایا تو کجا بودی؟» این جمله خود می رساند که خانم ابویی به وجود خدا باور داشته که در چنان موقعیت زن مسلمان و بی گناهی که از هیچ سو حمایت نمی شود و از سوی همه حاضرین در صحنه بدون یک کلمه سؤال و حتی شنیدن صدای او که به تکرار می گفت من مسلمانم، قران را در نداده ام مرا بی سیرت نکنید، نه زنیید نکشید. . . اما در نهایت بیرحمی همه حاضرین حتی با موجودیت پولیس، جنون زدگان چنان به خشم آمده بودند که گوش های شان کاملاً کر شده بود و هر کس تلاش می ورزید زودتر از دیگری با مشیت و لگد و چوب و سنگ او را بزند و به زعم خود شان شامل صواب شوند.

حتی دریور عراده ای تازه از راه رسیده وقتی صحنه لت و کوب را دید و شنید که این زن قران را در داده، بدون درنگ و یک لحظه فکر کردن سوار موترش شده تاپر های موتر را بالای جسد نیمه جان دختر چرخاند. مردم آنجا به این هم اکتفا نکردند، تن بی جان فرخنده را گرفته در صحن خشک دریا برده با پارچه های آلوده به تیل آن را در دادند که تا آخرین استخوان سوخت و از این صحنه اسلام نمایی هرکس به سلیقه خود عکس و فلم برداری کردند.

حال محترم آقای غنی خود بگوئید آیا این قتل فجیع وحشت ما مردم را نشان میدهد یا نه؟ که از میان صد ها نفر بی سواد و با سواد یکی هم در آنجا صدای اعتراض بلند نکرد، آیا اینست اسلامیت و شجاعت اخلاقی مردان ما در برابر زن مسلمان بیگناه و بی دفاع افغان و این است اصالت دینی و اسلامی ما؟

نگوئید این کار کسانی بوده که از دین بی خبر بوده اند، باید گفت آنهایی که خوب از دین هم خبر بودند مثل امام مسجد وزیر اکبر خان که در زمینه اسلام شناسی از پوهنتون الاحضر مصر دیپلوم دارد و خانمی به نام حسن زاده حافظ قران و معین در وزارت اطلاعات و کلتور و نمایندگان پارلمان و مجلس سنا و دیگران تا توانستند با فهم و منطق به اصطلاح اسلامی خود از عمل جهل و وحشت به دفاع پرداختند.

مردم در کلیت به شمول چیز فهمان و تحصیل کردگان که نسل اندر نسل صدها و هزاره ها در فرهنگ بسته سنتی و مذهبی بسر برده اند، طبیعتاً در اثر تبلیغات هراس افگنی ملایان و دست و پا بریدن ها و سنگسار کردن ها در ملای عام، حتی در خلوت خود نیز این فشار ها را احساس می کنند، تو گویی چشمی از بالا مدام ما را می بیند و افکار و حرکات ما را دقیقاً ثبت می کند.

گرچه همه مردم فطرتاً آزادی خواه هستند و طبق نیازمندی های شان به آرزوی رسیدن به دولت خوب و عادل هستند، اما وقتی پای این بحث ها حتی با بعضی به اصطلاح روشنفکران پیش کشیده می شود که دولت خوب کدام است و عدالت و رفاه اجتماعی چگونه به وجود می آید؟ دیده شده که عده زیادی تحصیل کردگان معمولاً حل همه مشکلات و نیازمندی های جامعه را در توانایی های فردی و در مقام ریاست دولت خلاصه می کنند که اگر چنین و چنان فرد متقی و پرهیز کار در رأس قدرت تکیه زند همه چیز خوب و دل خواه همه می شود.

از این نوع ابراز نظر ها چنین استنباط می شود که آنها از فرد به اصطلاح رهبر برداشت خدا گونه ای دارند و یا دست کم از رهبر تصور چوپان و از مردم تصور رمه ای گوسفند را. اما تجارب تاریخی بار ها نشان داده است که مشکلات و خواست های مردم یک کشور با روی کار آمدن یک فرد و چند فرد ولو دارای همه صفات دینی بوده باشند، رفع مشکلات و بدبختی ها و تأمین نیازمندی های مردم حل نمی شود. زیرا امور مردم یک کشور وابسته به آگاهی همگانی بوده، بل اخص تعلق به روشنفکران واقعاً آگاه، ورزیده، صادق و شجاع دارد که بتوانند مسایل سیاسی و اجتماعی را از طریق سازماندهی و ایجاد نهاد ها برای مردم زمینه روشنگری و مبارزه را فراهم نمایند.

یا به بیان دیگر کار روشنفکران و نویسندگان قابل فهم کردن مسایل غامض اجتماعی بوده که سعی نمایند با جهل و خرافات مبارزه کنند نه اینکه دل شان از نقد سنتهای دست و پاگیر تاریخی بلرزد و نقد آزاد و شفاف را بیرحمی و بی احترامی در حق توده های میلیونی مردم بدانند، زیرا ایننوع احترام گذاری کاذب در حق مردم در واقعیت امر احترام به جهل و خرافات شان بوده و ظلمی خواهد بود در حق «سی میلیون انسان افغان» که آقای جلیل غنی متذکر شده اند.

محترم آقای جلیل غنی هیروی! تا زمانیکه ما نقض و کمبود های جامعه خود را که من هم جزء آن هستم درک نکرده و به صراحت برملا نسازیم مشکلات و کمبود های کشور برطرف نخواهد شد و این نوع وحشی گری قتل فرخنده و سنگسار زن در ملاء عام و صدها ظلم و ستم دیگر پایان نخواهد یافت.

ببینید کمونیست های خلق و پرچم حتی با نیت نیک چقدر مرتکب خیانت و جنایت شدند، مدعیان جهاد و طالبان همچنان، اینها همه افغان هستند و اجزای مجزا از ملت افغانستان نیستند. ولی چرا در حق مردم و کشور خود چنین ظلم و جنایاتی را روا داشته و روا می دارند؟

معلوم است که ما بسیار عقب ماندگی فرهنگی سیاسی فراوان داریم. توجه کنید از چند سال بدین سو قانون اساسی و قوانین دیگری را داریم و از دیموکراسی هم سخن گفته می شود، اما از اینکه فرهنگ دیموکراسی را نداریم قانون به صورت درست تطبیق نمی شود. وقتی به غلط اجراء و یا نقض می شود مردم عکس العمل نشان نمی دهند، چنانکه میلیون ها انسان در انتخابات شرکت کرده و به این و آن رأی دادند ولی در اثر رأی مردم رئیس جمهور بوجود نیامد، بلکه در دعوی قدرت وزیر خارجه ایالات متحده امریکا تعیین کرد که هر دو اشرف غنی و عبدالله عبدالله به صورت

بی سابقه و در تناقض با قانون اساسی، صلاحیت های شان مساوی باشد و می بینیم که این راهی شده است رفتن به سوی بحران و فروپاشی همه چیز.

محترم آقای جلیل غنی مشکل دیگر این است که تا کنون در کشور ما جایگاه دین و دولت مشخص نیست. تحقیقات در غرب نشان داده است تا زمانیکه جایگاه دین و دولت مشخص نشده، در هیچ زمینه پیشرفت چشمگیری نصیب مردمان غرب نشده است، اما پس از آنکه نظام های سیکولار و یا لائیکسته بر قرار گردیده، در اثر آزادی و رقابت در تمام زمینه ها تحولات محیر العقولی روی داده است که اکنون ما شاهد آن هستیم.

همچنان در تحقیقات گفته شده، در گذشته تاریخی عدم آزادی و نبود نظام های سیکولار و لیبرال هفت صد سال باعث عقب افتادگی اروپا گردیده است.

البته این همه آزادی و تحولات خود به خود به وجود نیامده اند بلکه بیشتر از هر چیز محصول کار آگاهانه و شجاعانه روشنفکران، نویسندگان و دانشمندان کشور های غربی بوده و همه می دانیم که انقلاب فرانسه بیشتر از هر چیز در اثر افکار آزادی خواهانه روشنفکران و نویسندگان صورت گرفته است.

در مبارزه علیه قدرت و ایستادن در برابر قدرت یکی هم همین مبارزه با خرافات سنتی و مذهبی است که استبداد همواره از این ابزار برای نگهداشتن مردم در جهل سود برده است.

محترم آقای غنی هیروی به برداشت من موضعگیری شما در برابر کلیپ خانم ابوی در تحلیل نهایی عکس العمل ناشی از فضایی بوده که در اثر کودتای ۷ ثور و گفتار و رفتار دین ستیزانه خلق و پرچم به وجود آمده که نه تنها ملایان و همه مردم مسلمان را بر انگیخت بلکه حتی بخشی از گروه های دیگر چپی را نیز به سمت و سوی رهبران دینی مذهبی و جنگسالاران کشانید و در نتیجه چنان فضای ترس و اختناق در کشور و منطقه حاکم شد که برای هر کس جز راه فرار به غرب و یا مطلق تسلیم دوکان داران دین شدن، دیگر راهی باقی نمانده بود.

اما در مدت پانزده سال اخیر با همه کم و کاست از لحاظ آزادی بیان فضای داخل کشور به طور نسبی بیشتر از هر زمان و هر کشور همسایه مساعد تر گردیده است، ولی جای گله است که در چنین اوضاع به جای اینکه شما به عنوان یک ژورنالیست مدعی آزادی و زندگی در کشور کاملاً آزاد امریکا به دفاع از آزادی بیان سخن بگوئید اظهارات خانم ابوی را که در دفاع از حقوق زن مظلوم لب گشوده، او را به دین ستیزی و توهین به سی میلیون افغان متهم کرده و می ترسانید.

محترم آقای جلیل غنی، گیریم که در یک چنان فضای ظلم و وحشیگری کسی حرف دین ستیزانه ای گفته باشد، آیا شما آن اوضاع و شرایطی را که او سخنان دین ستیزانه گفته به تحلیل و بررسی گرفته و به آن شخص دین ستیز نظر مثبت تان را پیش کش می کنید یا فوراً به گونه ملای شاه دو شمشیره او را محکوم به دین ستیزی می کنید؟

محترم آقای جلیل غنی شما که ژورنالیست مسلکی هستید، می خواهم از نویسنده بسیار شناخته شده قرن هژده که او را نخستین ژورنالیست تاریخ بشر می دانند و در تاریخ تحولات اجتماعی سیاسی فرانسه و اروپا تأثیر بسیار بسزا و ژرفی از خود برجا گذاشته مثال بیاورم:

او را حتماً می‌شناسید «ولتیر» نام دارد وی در دفاع از آزادی بارها به زندان رفته و بیرون آمده است، اما از مبارزه دست نکشیده، برای اینکه به کار خود ادامه دهد و به چنگ پولیس فرانسه و زندان باستیل نیفتد، خانه خود را در بین سرحد فرانسه و سوئیس تعیین کرد تا اگر پولیس فرانسه برای دستگیری اش بیاید به سوئیس فرار نماید. از این نویسنده چیره دست و پر کار آثار او شامل ۵۲ جلد کتاب و نامه‌ها و مکاتبات وی به ۱۰۲ جلد می‌رسد. آثار ولتیر را زرادخانه مبارزه با جهل و خرافات و تعصبات و پیش‌داوری‌ها می‌دانند.

بی‌دلیل نیست که لویی شانزدهم فرانسه بعد از آنکه در اثر شورش مردم به زندان افتاد، کتاب‌های ژان ژاک روسو و آثار ولتیر را مطالعه کرد و در نتیجه گفت این دو نفر با کتاب‌های شان باعث سقوط حکومت من شدند. تأثیر آثار ولتیر و روسو چه بود که لویی شانزدهم را از قدرت و جباریت انداخت؟

کتاب‌های روسو در تقابل با بینش اُرتدوکس مسیحیت بود، از سوی دیگر هدف ولتیر نیز مبارزه با جهل و خرافات بود و برای همین به طور دایم با مصادر قدرت درگیر بود. ولتیر همچنین با کلیسا در مخالفت قرار داشت و کلیسا را عامل بدبختی اروپا و بخصوص برای فرانسه می‌دانست.

این مسایل باعث شده بودند که افکار عمومی نسبت به مصادر قدرت از جمله کلیسا و دربار تحریک شوند و آنها را علت اصلی عقب ماندگی فکری و اجتماعی خود بدانند. خلاصه عقایدی که توسط ولتیر و روسو اظهار می‌شد، باعث آن گردید که دید سنتی مسیحی سست شود و مردم نیز با دید تازه‌ای به جهان بنگرند.

من با یک نقل قول از ولتیر در دفاع از حق آزادی بیان به این نوشته پایان می‌دهم:

ولتیر هنگامی که شنید مقامات سوئسی دستور سوزاندن کتاب‌های ژان ژاک روسو را داده اند بر این اصل معروف خود مجدداً تأکید ورزید که «من یک کلمه از آنچه تو می‌گویی را قبول ندارم یعنی از حرف‌ها و مواضع سیاسی ژان ژاک روسو، اما برای آنکه تو حق گفتن سخنان خود را داشته باشی، تا دم مرگ مبارزه خواهم کرد» بلی محترم آقای جلیل غنی هیروی من و همه مردم عقب مانده افغانستان از شما نیز این انتظار را داشتیم. پایان



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته‌ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می‌توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

ترس از بحث آزاد

[Barez_naym_tars_az_bahs_e_aazaad.pdf](#)